



هیاهوی ندانستن

لوازم روش شناختی مطالعه در باب نسبت هنر و سیاست

نوشتن در بار سیاست همیشه و سوسه بر انگیز است: خواه امه مطوف آن اقتضا باشد، خواه از هیاهو یا شتابناکی باشد یا نه. این بحث بر سر آن تباط و سیاست ثانوی و چه در یک کجک در آمدن سیاست است که غرض نگارنده، طرح آن در آمدن است و نه هیچ چیز دیگری. به بیان دیگر نگارنده در این نوشتار گوئی تا نه می خواهد و نه می تواند - حدی صحت و سقم دخالت سیاست در هنر باشد و نه می خواهد به تعیین این آید بهر دانه که هنر هر چه از آزاد تر باشد، آن چه ما به آن احتیاج داریم بر سر سیدن به نوعی روشمندی در طرح سیاست است که گمان می رود پیش از آنکه باید استعمال اقراض زیر نالیستی شد تا این مقاله بر این بر سر سیدن به روش صحیح تر در بحث سیاست و هنر، جز آن موضوع به عنوان ادب این بحث تا ناکیمی کند.

سید حمیدرضا افشاری
امروز سخنان پانویس و بحث علمی در مجامع غیر علمی پانویه علمی طرح و سپس در بار آنها بحث می شود که همین امر منجر به وقوع نوعی سواد کاذب جمعی^۱ در بار موضوع می شود که هنوز به درستی محدود و تصور آن تبیین نشده است. در حقیقت همچنان که در بسیاری از شئون زندگی مان به آن مبتلا شدیم بحث های غیر علمی و به بیان عامیانه شب چله ای آن سنان که از زبان متخصصان بیرون می آید رنگ و لعاب علمی پیدا کرده و آنکه دیگر به سختی می توان از آنها رافع تدبیر رافع علمیت کرده^۲ می گویم. کلامی متخصصان و از آن به بدی یاد می کنیم چرا که در عصر کنونی که پیش می آید که متخصصان یک رشته به فراخور تخصص خود به بحث در باره موضوعی می پردازند که نهی می توان به رشته آنها مربوط می شود و در نتیجه در میان هیاهویی که زور نالیسم و زور نالیست ها بر سر آن گرفته ها را می بیند نالیست ها نمی توان به این حقیقت رسیدند که تنها نیستی از راه رفته شده و نیمه دیگر متداول مانده است. بر این نمونه در بحث تباط و سیاست با هنر اگر از متخصصان سیدما-

مشخص سازد و فنی داستان به این شکل پیش رفته در هر نمی توان از طرح بحث نسبت به علمی و منطقی ای روانه نظر داشت.
این همه را کنیم تا به این نکته اشاره کنیم که در بحثی چون تباط و سیاست با هنر کم نیستند از این چانه های مهبسی که برهیز نکر من از نالیستی تواندها را به سوی تو گسنان جهالتی مر کب مسافر کند.
برای رسیدن به یک روش صحیح در بحث سیاست و هنر لازم است پیش از هر چیز ادبی را به جای آوریم؛ ادبی که می تواند در بار از خطاهای هنرگله مسخرین بر هنر دل زند.

تعیین موضوع

می خواهیم در باره چه سخن بگوئیم؟ آیا منظور مان از طرح بحث سیاست و هنر بر روی تلبیضی نقش سیاست در هنر است؟ آیا می خواهیم در باره این هنرمندان در تصمیم های تلبیضی بچونیم؟ آیا می خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که سیاست می تواند در هنر به منزله اثری تلبیضی استفاده کند؟ آیا این استفاده اخلاقی است؟ آیا واقع شده است؟ آیا اثر هنری می تواند به تعبیر تلبیضی سیاسی ساخته شده و آنکه که پدید آمدن هنر می نامیم بگرد؟
می بیند که مباحث بسیار گسترده تا چاره در طرف جدال باید رعایت کنیم و همرا که در مقصد خود را از طرح بحث مشخص کنند.

تعیین رویکرد

اهمیت این که ما در فرایند گفتار ها و نوشتار هایمان به دنبال چه چیزی هستیم را پاسی خواهیم صرفاً طرح بحث کنیم یا اینکه خبر در فضایی کاملاً علمی به دنبال رسیدن به یک نتیجه هستیم تا آن را کز بردی کنیم؟ در نوع انتخاب مباحثه کننده گان ذخیره گسترش بحث و همچنین روش گفتو گو مستند گله پیش می آید به دلیل عدم تعیین رویکردهای یک موضوع به معنی علمی با بحث های خام و شبه خبثی و از کلمات پیدا کرده و حیثیت آن موضوع و آن اجتماع لکدهار شده است. اگر در طرفه خود را مدعی مباحث های علمی بدانند دیگر جای آن نمی ماند که به روش های جدی ساز و زور نالیستی روی آوریم برای نمونه در همین بحث هنر و سیاست آیا چنین یک مستند سیدما و یک مشور هنری ریاست فلان نهاد می تواند در یک بحث علمی کار گشا باشد؟

تعیین فایده

این از اولیات یک بحث منطقی و علمی است که آیا بر بحث در باره فایده ای متر تبست یا خیر؟ حال چه فایده تنها منظور ترویج علم باشد و چه رسیدن به یک قاعده یا قانون برای اعمال بر جامعه بکنیم که جامعه پر از حد و حجاب و تفریز خود در یک چهر طبیعی بر مباحث خفاییم تا به عمل می کند.

تعیین معانی و مقصودها

روشنه بسیاری از اشکالات مبانی و روش شناختی ما در مباحث نظری با کز بردی آن است که دوسوی جدال نمی باشد در باره نظریه مقبول از لغت مشترک که رانده کرده است و به همین دلیل است که در مباحث فلسفی و منطقی همیشه توصیه به تعیین معانی الفاظ شده و این تعیین توصیه ناظر به همه مباحث است.^۳ برای نمونه در بحث خبثیر باید نکات زیر مشخص شود:

الف) منظور مان از سیاست چیست؟^۴ معنای سیاسی که در باره آن گفتو گو می کنیم چیست؟ آیا سیاستی که در کشور ما پس از یک انقلاب به دست آمده و در حال ابر است با سیاستی که سال هاست در غرب و آمریکا تاجر به شده با آن سیاستی که در کشور های جنوب شرقی آسیا یا آمریکا یا لاتین تجربه می شود یکسان است؟ آیا همین تفاوت جینا لازم نمی آید که دوسوی جدال سیاست مطلوب خود را تعیین کنند؟ در طرفه جدال - چه آنها که از دخالت سیاست در هنر دفاع می کنند و چه آنها که از دخالت سیاست در هنر بر می آید - باید مشخص کنند که چه سیاستی را بر اساسی چه مبانی پذیرفته اند؟ در جامعه ای چون ایران که از در آن مضامین و

یاور ها در هنر هتک های ارضی در تراجم و گله نداشتن و امیرش یا اینکه بگره هستند گفتن از سیاست نمی تواند خالی از بر داشت های غلط باشد. نمی توان از دخالت سیاست در هنر تجدید و دلیل آن را مبانی ای دانست که تنها در فرهنگ و سیاست غریب معنی یابند یا در کشوری که از هر سو آماج تهدیدات داخلی و خارجی خود ساخته یا دیگر ساخته است و عملی توان آن را جز در کشور های استیجی دانست گفتن از آزادی هنر به شیوه هنر هتک حاکم بر جمیع غریب صحیح است؟

ب) منظور مان از هنر چیست؟ آیا هنر نقاشی را قصد کرد یا به هنر میخانه هنر داستان نویسی یا همه اقدام هنر را؟
ج) منظور مان از مداخله چیست؟ آیا این لفظ آن قدر مطلق است که حمایت دولتی را هم در بر می گیرد؟ آیا این لفظ تنها اختیاری به دخالت به معنای سلب و و باید و نباید های تحسینی از سوی دولت دارد؟ گویند گله مداخله چه معنایی را قصد کرده است؟ جالب آنکه در بسیاری گفتار های شکل گرفته در حوزه هنر، آنان که خود مدعی رافع دخالت سیاست در هنر هستند در هنر های پر خرجی چون سینما یا پر نامه های رسانه ای بر این رافع توافق و کمبود مباحث این نکته پای می فشارند که هر دولت در فلان مساله بود چه می زنی نمی کند؟ چرا دولت اقدام به ساخت سالن های مجهز سینما و تئاتر و موسیقی نمی کند؟ به نظر می رسد ایشان مداخله را نا حدودی می پذیرند گرچه هستند افرادی که هیچ مداخله ای را بر نمی نهند.

مدعی نگارنده این است که در ساخت بحث از هنر و سیاست با توجه به تاریخ آن، رسیدن به چنین اسلوبی یا دست کبر عیبت این ادب می تواند در تبیین بهتر مواضع طرفین موثر باشد. کلامی است نشریات یا کلامی را که در این زمینها بحث کرده اند، بزرگ کنیم تا بتوانیم به این نکته واقف شویم که بسیاری گفتار ها پیش از آنکه نقشی در رفع مشکلات داشته باشند به دلیل فقر روشمندی در طرح و پیشبرد بحث خود در آیدند از یک شکل ساز شناختی علمی شوند.

نهایت آنکه سیاست ساگر آن را به معنی روش حکومت حاکمان معنا کنیم. در همه جای دنیا به صورت پیدا و پنهان در حال هدایت مسوور هنر و هنر متعلق است. چه به نقش گذاری در باره غرب و واقف باشی و چه به نقش سیاستوران ملی و سیاسی ها بر روی دستگیریم به مان همرا تفخ خواهیم شد. ولی آیا این دخالت باید صورت بپذیرد؟

نگارنده همیشه به این نکته قائل بوده است که مباحثی از این دست جفر قیایی هستند یعنی جنس بحث در باره دخالت سیاست در هنر در جفر قیایی سیاسی و فرهنگی ایران یا چنین آن در جفر قیایی سیاسی و فرهنگی آمریکا یا اروپا متفاوت است. این معنای نگارنده با اجرای این اسلوب پیشنهادی به امر احیای قایل اثبات است و اگر نه مباحث ما به جدال های کودتگه و هیاهو های برای هیچ بدل خواهند شد.

پانویسها

۱- mass label literacy
۲- از یاد تیریم بیشترین مصائب پامیران الهی در زودن این نوع سواد های کاذب جمعی بوده است. و جود این نوع از جهالت پنهان که طبعیت خود را مدین اقبال جمع به موضوعی خاص است. پیشترین مشکل در رسیدن به یک نتیجه منطقی در یک مباحثه علمی است.
۳- مقاله جدید مرتضی مطهری در کتاب دانشنامه کتب با علوم اسلامی ۵ در مدخل فلسفه چیست؟
چنین بلی علمند
تعریف لغتی بر تعریف حقیقی مقدم است. یعنی باید ابتدا مفهوم لفظ را مشخص ساخت و سپس آن معنی مشخص شده را تریف علمی کرد و اگر نه موجب متعلقه و متعجب های بیجا خواهد شد.
۴- هر تعین معنای سیاست همیشه بین متکلمین و اهلی سیاست اختلاف بوده است. برای نمونه هاکس ویر می گوید
سیاست یعنی کوشیدن برای شرکت در قدرت یا کوشش برای نفوذ در تخصص قدرت. چه در میان دولت ها و چه در میان گروه های یک دولت. ویسون آرون سیاست را تعمیم گیری فریاده رویه های نامشگون جامعه می داند و البته نقی های ماکینولی و توماس هاین از سیاست نیز چانه خود را دارند.

کتابخانه
موسسه
فلسفه
و
ادبیات
۱۳۸۷